انترناسیونال 795

**جنبش علیه حجاب اجباری از 57 تا امروز**

سخنرانی فریده آرمان در کنفرانس دختران خیابان انقلاب در پنجم آوریل در استکلهم

من می خواهم راه ۳۹ ساله ای را که جنبش علیه حجاب طی کرد و اکنون به دختران خیابان انقلاب رسیده است را کمی باز کنم. من متولد ۱۳۳۵ هستم از وقتی که به خاطر میاورم در شهرستانی که بودیم و بعدها در تهران حجاب در میان نسل جوان جایگاه چندانی نداشت و عمدتا نسل ماقبل ما چادری بودند.

جامعه ایران اسلامی نبود. جامعه نسبتا مدرنی بود. در تهران و شهرهای بزرگ حجاب بتدریج داشت ور می افتاد. جوانانی مثل من مد لباس اروپایی را دنبال میکردند و مینی ژوپ می پوشید ما جوانان در جمع های مختلط و در دیسکو می رقصیدیم و آخرین موزیک های غربی را می‌شنیدیم. آرایش میکردیم و آن طور که دلمان می‌خواست لباس می پوشیدیم. کارمندان ادارات و دانش آموزان و دانشجویان دختر اکثرا بی حجاب بودند. اگر جوانی حجاب داشت عقب مانده محسوب میشد و از جمع ایزوله می شد.

وقتی انقلاب شد برای هیچ‌کس قابل تصور نبود که ممکن است روزی مجبور شویم حجاب سر کنیم. ان روز را به خاطر دارم ، برایم تماما یک شوک بود. حجاب فقط یک مساله سیاسی علیه جامعه نبود. یک شوک شخصی هم بود. یک تعرض به همه عواطف و احساسات و حریم شخصی ات هم بود. و نه فقط من که میلیون ها زن دچار شوک شده بودند. جمهوری اسلامی وصله ناجوری برای این جامعه بود.  جامعه نمیخواست این حکومت و مقررات اسلامی اش را بپذیرد. جمهوری اسلامی حکومتی ضد جامعه و ضد ارزش ها و فرهنگی بود که چند دهه در تار و پود جامعه نقش بسته بود. برای ما که با هزار آرزو برای ساختن یک جامعه آزاد و انسانی به صحنه انقلاب کشیده شده بودیم، احساس میکردیم می‌خواهند آزادیمان را هم از ما بگیرند. روشن است که بدون سرکوب و زندان و تیغ و اسید و سنگسار نمیشد حجاب را تحمیل کرد.

دو هفته پس از روز کار آمدن جمهوری اسلامی یعنی اوایل اسفند ۵۷ خمینی خواهان حجاب اجباری شد و دستور داد که هر بخشی از قانون حمایت خانواده با اسلام مغایرت دارد لغو شود. البته قانون حمایت خانواده در سال ۵۳ در زمان شاه تصویب شده بود و حتی در این قانون هم مطلقا صحبتی از حقوق برابر برای زن و مرد وجود نداشت.

در نقاط مختلف تهران بلافاصله زنان شروع به اعتراض کردند در اولین واکنش به این حکم بزرگترین تظاهرات ۸ مارس در تهران ۱۷ اسفند سال ۱۳۵۷ با شرکت ده‌ها هزار نفر و با پرچم نه به حجاب اجباری به راه افتاد. حدود ۱۵ هزار زن از دانشکده فنی تهران دست به راهپیمایی بطرف نخست وزیری زدند و بسیاری از مردان نیز آنها را همراهی میکردند . شعارها از جمله این بود: «ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم." در اکثر شهرهای بزرگ از جمله کرمانشاه و بندرعباس و سنندج و ارومیه و اصفهان هم تظاهراتهایی انجام شد. در برخی ادارات و بیمارستان ها زنان دست از کار کشیدند. در مدارس دخترانه اعتراضات زیادی صورت گرفت. بحث درمورد حجاب در سراسر کشور جریان داشت.

مقامات دولت و تعدادی از آیت الله ها شروع به عقب نشینی کردند و گفتند منظورمان" اجبار نیست برای خود زنان خوب است و غیره". روزنامه ها با تیتر درشت در صفحه اول نوشتند "حجاب اجباری در کار نیست." ابعاد اعتراض چنان زیاد بود که خمینی تا یکسال و نیم بعد یعنی تا تیرماه ۵۹ خفقان گرفت و چیزی راجع به حجاب نگفت. حتی دفتر خمینی اطلاعیه داد که با مزاحمین بانوان بشدت برخورد خواد شد.

در مقابل چنین جامعه ای کار جمهوری اسلامی برای تحمیل حجاب و عقب راندن همان درجه آزادی زنان کار ساده ای نبود.

مقاومت در همه جا شروع شده بود همه از اجرای این حکم امتناع میکردند. در مدرسه‌، دانشگاه، خیابان و محل کار. فکر میکردند میتوانند فورا حجاب را تحمیل کنند اما ۵ سال طول کشید که توانستند قانون حجاب اجباری را در مجلسشان تصویب کنند ، آنهم با سرکوب در خیابانها و اداراه جات . با اسید و پونز و زندان و کتک زدن. اما روشن بود که خمینی و حکومتش قصد داشتند در اولین فرصتی که بتوانند حجاب را اجباری کنند.

۱۶ تیرماه ۵۹ شورای انقلاب به ریاست بنی صدر دستوری به ادارات داد که «خانم‌ها بدون پوشش اسلامی حق ورود به ادارات را ندارند». بلافاصله بعد از آن حقوق و مزایای کارمندان زنی که بی‌حجاب در محل کار حاضر میشدند قطع شد و بسیاری از زنان کارشان را از دست دادند. اما هنوز در خیابان‌های شهر حجاب اجباری نشده بود. ولی تبلیغات شنیع علیه زنان در رادیو و تلویزیون و مساجد و نماز جمعه ها جریان داشت. مثلا ۱۳ خرداد ۶۰ دادستان انقلاب به زنان اخطار تندی داد و بی حجابی را خیانت به انقلاب و شهدا اعلام کرد.

جنگ که از سال ۵۹ شروع شده بود فضا را نظامی کرده بود و بعد سرکوب و کشتار زندانیان سیاسی از سال ۶۰ ، فشار را بر زنان بیشتر کرد.

در رمضان سال ۶۰ به اماکن عمومی دستور دادند که تابلویی در معرض دید مشتریان خود قرار دهند با این جمله: «به دستور دادگاه مبارزه با منکرات از پذیرفتن میهمانان و مشتریانی که رعایت ظواهر اسلامی را نمی‌کنند معذوریم». یعنی بدون حجاب نمی توانستی وارد مغازه ها و رستوانها شوی.

بالاخره در مرداد ۱۳۶۲ بود که مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون مجازات اسلامی، برای بی حجابی در معابر عمومی، ۷۴ ضربه شلاق مجازات تعیین کرد.

خواهرم می‌گفت در بیمارستانی که کار میکرد مقنعه آوردند و بین پرستاران توزیع کردند و گفتند اگر مقنعه سر نکنید حکم اخراج و یا تعلیق کاری می گیرید. کلاه پرستاری را گرفتند و روسری سر پرستاران کردند. در بسیاری از محل های کار در مقابل در ورودی مامورین را می دیدی که از ورود زنان بی حجاب جلوگیری میکردند. اگر در خیابان حجابت مناسب نبود و موهایت زیاد دیده می‌شد ماموران می آمدند و با توهین و کتک روسری ات را پایین می‌کشیدند که موهایت دیده نشود. پسر سه ساله دوستم بقدری از ماموران می‌ترسید که به محض دیدن ماموران وقتی در بغل مادرش بود روسری مادرش را پایین می‌کشید و می لرزید برای اینکه یکبار شاهد دعوای مادرش با ماموران بود. حتی یک بچه کوچک باید با ترس زندگی میکرد.

در این میان موضع گیری نیروهای سیاسی مختلف هم جالب است که چطور افکار عقب مانده و یا نشات گرفته از اسلام را به نفع حجاب اجباری به کار میگرفتند. میگفتند "حجاب و مساله زن فرعی است"، "الان وقت مقابله با ضد انقلاب است" یا " حجاب نماد مبارزه با امپریالیسم است." این موضع توده‌ایها و اکثریتی ها و روشنفکران شرق زده ال احمدی بود. کسانی مثل سیمین دانشور در مقاله ای در کیهان "حجاب را مسئله‌ای فرعی دانسته و از هر دو گروه طرفداران و مخالفان حجاب خواسته بود که بهانه به دست ضدانقلاب ندهند و به مسائل مهم‌تر بپردازند." گویی این خود جمهوری اسلامی نبود که در راس ضد انقلاب قرار داشت و کمر به سرکوب خونین انقلاب بسته بود.

موضع سازمان مجاهدین شبیه خود آیت الله ها بود. روز ۲۳ اسفند بیانیه این سازمان در روزنامه اطلاعات چاپ شد که گفته بود: «حجاب چيزی نيست جز کوششی اجتماعی به خاطر رعايت و حفظ سلامت اخلاقی جامعه».

زنان هم باید در مقابل سرکوب حکومت می ایستادند هم در مقابل توجیهات جنبش ملی اسلامی و روشنفکران شرق زده و عقب مانده، که میگفتند حجاب مساله اصلی نیست. امثال شیرین عبادی ها گفتند "زنان مسائل مهمتری دارند". ایشان و همفکرانشان هنرشان این بود که تفسیر و تعبیر صحیح از قرآن و فقه اسلامی بدهند. و ما در مقابل همه اینها گفتیم حجاب مساله اصلی است. مگر نمیبینید که حکومت همه نیرویش را صرف تحمیل آن کرده است چون میداند حجاب را که تحمیل کرد سایر بیحقوقی ها را هم تحمیل میکند. ما گفتیم حجاب هویت حکومت است. بدون حجاب حکومت اسلامی در کار نخواهد بود.

در اردیبهشت ۶۵، رفسنجانی در نماز جمعه گفت: «بعضی از خانم‌ها راضی‌اند مویشان بیرون باشد، یا پشت در خانه بایستند تا کسی عبور می‌کند اندام لخت خود را نشان بدهند. به حزب‌اللَّه وعده دادیم این‌ها آدم می‌شوند؛ ولی مثل اینکه یک مقدار احتیاج به خشونت دارند». در اردیبهشت سال ۶۷ هم گفت: «خانم‌های بدحجاب در خیابان‌های تهران زیاد گستاخ شده‌اند؛ به خاطر جنگ سخت‌گیری کم شده است».

اما زنان آنطور که رفسنجانی میگفت آدم! نشدند بلکه خود رفسنجانی بود که ۱۵ سال بعد آدم! شد و در سال ۸۲ شروع به انتقاد از خشکه مقدس ها کرد. او صریحا گفت «خشکه مقدس‌ها سخت‌گیری‌هایی در مسئله حجاب انجام دادند که برای جامعه مخصوصاً در زن‌ها حالت فرار درست کرد.»

علیرغم همه فشارها زنان از هر فرصتی برای مقاومت استفاده میکردند. حکومت که موفق به تحمیل کامل حجاب نشده بود در دوره احمدی نژاد در سالهای ۱۳۸۴ و۸۷ طرح هایی را که محورش رعایت حجاب بود تصویب کرد و بودجه و تبلیغات و نیروی زیادی به آن اختصاص داده شد.

در هر مدرسه ای یک آخوند گذاشتند. نیروهایی را روانه پارک ها کردند. در هر چهارراه و خیابانی نیروهای گشت مستقر کردند. طبق آمارهای مختلفی که حکومت منتشر کرد چیزی بین ۲ تا ۳ میلیون نفر سالانه بخاطر بد حجابی تذکر گرفتند و یا جریمه شدند و یا زندانی شدند. خود این به تنهایی ابعاد جنگ با زنان و مقاومت زنان را نشان میدهد.

در سال ۹۴ مجلس شورای اسلامی طی گزارشی اعتراف کرد که طرح امنیت اجتماعی ناموفق بوده است.

صحبتم را با اشاره کوتاهی به دختران خیابان انقلاب تمام میکنم. امیدوارم تصویری که از تحمیل حجاب و مقابله با حجاب دادم کمک کند که اهمیت کار دختران خیابان انقلاب بهتر فهمیده شود. آنها امروز در راس مبارزه ای قرار گرفته اند که ۳۹ سال است جریان دارد. آنها این مبارزه را یک گام مهم به جلو بردند. آنها به سهم خود ضربه موثری به حکومت و فرهنگ اسلامی و ایدئولوژی حکومت و به ملی اسلامی ها و کل جریانات ریز و درشت اسلامی زدند. آنها عکس العمل جامعه در مقابل جمهوری اسلامی و طالبان و داعش و همه نیروهای اسلامی هستند. منصور حکمت حق داشت از انقلاب زنانه در ایران صحبت کرد.دختران خیابان انقلاب بیشتر باید تکثیر شوند. جمهوری اسلامی با حجاب آمد و بدون حجاب میرود.